

زیجر

دوفصلنامه علمی ترویجی فلسفه اسلامی
سال هفتم / شماره اول / پیاپی ۱۲ / بهار - تابستان ۱۴۰۰

ضرورت اجتهاد در معارف اعتقادی

سیدمحمد طباطبایی^۱

چکیده

تعالیم اسلامی در تقسیمی رایج و مشهور به سه بخش عقاید، اخلاق و فقه تقسیم می‌شود. کار علمی اجتهادی در حوزه فقهی همواره مطرح و با سابقه تاریخی مشخص، مورد توجه بوده است؛ ولی در دو حوزه معارف اعتقادی و اخلاقی، با وجود اهمیت و تأثیر بسیارشان بر هدایت، رشد، کمال و سعادت فردی و اجتماعی انسان، اجتهاد و تلاش‌های علمی مجتهدانه بسیار کمتر مورد توجه بوده است. این نوشتار پس از تعریف اجتهاد و بیان مقصود از آن در معارف اعتقادی و مشخص کردن مرز جدایی عقاید با اخلاق و فقه و همچنین تأکید بر عام بودن تفقه و اجتهاد و منحصر نبودن آن به فقه، با بیان ادله قرآنی، روایی و عقلی به دنبال اثبات ضرورت کار اجتهادی و استنباطی عمیق در حوزه معارف اعتقادی است و پس از بیان ادله نقلی و عقلی به این نتیجه می‌رسد که ضروری است در معارف اعتقادی نیز همانند فقه، تلاش‌های اجتهادی و استنباطی به گونه‌ای شایسته و کافی انجام گیرد.

کلیدواژگان

اجتهاد در عقاید، اجتهاد در اعتقادات، معارف اعتقادی، اجتهاد عام، تفقه عام، اجتهاد در دین، اجتهاد در کلام، اعتقادات.

۱. دانش‌آموخته سطح سه فلسفه اسلامی از حوزه قم (m.yazahra114@gmail.com).

مقدمه

تعالیم اسلامی در تقسیمی رایج و مشهور به سه بخش عقاید، اخلاق و فقه تقسیم می‌شود. در حوزه فقهی، موضوع اجتهاد با سابقه‌ای طولانی همواره مطرح و مورد توجه فراوان بوده است؛ ولی در دو حوزه معارف اعتقادی و اخلاقی با وجود اهمیت و تأثیر بسیار آنها بر هدایت، رشد، کمال و سعادت فردی و اجتماعی انسان، اجتهاد و تلاش‌های علمی مجتهدانه بسیار کمتر مورد توجه بوده است. در حالی که معارف اعتقادی که موضوع این نوشتار است، نقشی اساسی و زیربنایی در ایمان و دیانت و تعالی فرد و جامعه دارد و با وجود روایات ناب و عمیق اعتقادی که از معصومین علیهم‌السلام به دست ما رسیده است در مقایسه با دقت‌های اجتهادی صورت گرفته بر روایات فقهی، کار بسیار اندکی درباره آنها صورت گرفته است.

از جمله کتبی که گام‌هایی بلند در زمینه اجتهاد در معارف اعتقادی به شمار می‌آیند می‌توان به *المیزان فی تفسیر القرآن* علامه طباطبایی، *تفسیر القرآن الکریم* ملاصدرا و تفسیر سوره حمد امام خمینی اشاره کرد. این مقاله به منظور برانگیختن توجه و اهتمام بیشتر به تلاش علمی اجتهادی درباره معارف اعتقادی در صدد اثبات ضرورت و اهمیت فراوان اجتهاد در این حوزه معرفی است.

معنای لغوی اجتهاد

برای کلمه اجتهاد در کتب لغت دو ریشه (جهد و جهد) ذکر شده است که نشان می‌دهد این کلمه از هر دو ریشه مشتق می‌شود. اجتهاد را انجام دادن کار در نهایت وسع و طاقت معنا کرده‌اند (فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۱۱۲). برخی نیز با اندکی اختلاف، اجتهاد را به معنای انجام دادن کار با تمام طاقت و تحمل مشقت دانسته‌اند. در *مفردات* راغب آمده است: «الإجتهد: أخذ النفس ببذل الطاقة وتحمل المشقة» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۰۸).

معنای اصطلاحی اجتهاد

لغت اجتهاد با گذشت زمان در حوزه علوم دینی معنای اصطلاحی متفاوتی با معنای لغوی خود یافته است. در این تغییر معنا مقصود از اجتهاد تنها استنباط متناسب با علم فقه بیان شده است.

محقق حلی در تعریف اجتهاد می‌گوید: «الإجتهد فی عُرف الفقهاء بذل الجهد فی استخراج



ضرورت اجتهاد در معارف اعتقادی

الأحكام الشرعية» (محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۱۷۹). آخوند خراسانی اجتهاد را بکار بردن وسع و طاقت در تحصیل حجت بر احکام شرعی می‌داند (خراسانی، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۳۵۳-۳۵۴). محقق خوینی می‌گوید: «الصحيح أن يُعرف الإجتهد باستفراغ الوسع في تحصیل الحجّة على الأحكام الشرعية أو تعيين الوظيفة عند عدم الوصول إليها»^۱ (خوینی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۵۲۱).

این تعاریف نشان می‌دهد که در تعریف اجتهاد اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی آنچه فقها پذیرفته‌اند از این قرار است: «نهایت تلاش و کوشش در به دست آوردن حجت برای احکام شرعی». تفاوت این معنای اجتهاد با معنای لغوی‌اش در این است که بر اساس معنای لغوی، تلاش در هر کاری اجتهاد است، ولی بر اساس معنای اصطلاحی فقط تلاش برای تحصیل حجت بر احکام شرعی اجتهاد خوانده می‌شود.

شایان ذکر است که همه این تعاریف فقط ناظر به اجتهاد در فقه و احکام شرعی عملی است و مقصود از «احکام» در آنها احکام عملی در علم فقه است. از سوی دیگر از آنجا که دین مبین اسلام در محورهای دیگر از جمله اعتقادات و اخلاقیات نیز آموزه‌های بسیاری دارد، مسلماً استنباط رأی دین به حیطة علم فقه اختصاص ندارد؛ بلکه در محورهای مزبور نیز می‌توان رأی دین را فهم و استنباط کرد و اجتهاد را علاوه بر فقه می‌توان و باید به طور عام در فهم و استنباط همه تعالیم دین مطرح نمود (حسینی و علی‌پور، ۱۳۸۵، ص ۵۸۲-۵۹۲).^۳

بنابراین ضروری است که برای بیان معنای اجتهاد در معارف اعتقادی، تغییری در این تعریف صورت گیرد. در ادامه پس از توضیح مفهوم «معارف» تعریف مد نظر از اجتهاد در معارف اعتقادی بیان خواهد شد.

معنای لغوی معارف

راغب در مفردات می‌نویسد: «المَعْرِفَةُ والعِرْفَانُ: إدراك الشيء بتفكّر وتدبّر لأثره وهو أخصّ من العلم» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۶۰). حمیری در شمس العلوم می‌نویسد: «[المعرفة]: تقيض الجهل» (حمیری، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۴۶۵). ابن منظور در لسان العرب در معنای عرفان که در لغت‌نامه‌ها در کنار واژه «معرفة» به عنوان مصدر «عَرَفَ» ذکر می‌شود نوشته است: «العِرْفَانُ: العلم» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۲۳۶).

۱. اجتهاد در عرف فقها صرف نهایت تلاش در استخراج احکام شرعی است.

۲. اجتهاد به کار بردن وسع و طاقت در به دست آوردن حجت بر احکام شرعی یا تعیین وظیفه عملی هنگام نرسیدن به احکام شرعی است.

۳. مصاحبه مؤلفان کتاب با استاد علیرضا اعرافی و استاد علی عابدی شاهرودی.

بنابراین کلمه معارف که جمع «معرفة» است به معنای دانش‌ها، علوم، شناخت‌ها و ادراکات می‌باشد.

به دلیل عمومیت معنای «معارف»، این لفظ در علوم مختلف برای اشاره به مسائل و آموزه‌های آن علم استعمال می‌شود. مانند اینکه گفته می‌شود معارف فلسفی، معارف اخلاقی و معارف عرفانی. البته عرفاً و به طور معمول استعمال لفظ معارف برای دانش‌های مربوط به علوم انسانی و به خصوص علوم دینی رواج بیشتری دارد.

مقصود از معارف اعتقادی در این تحقیق

آنچه محور این پژوهش است معارف مربوط به حوزه اعتقادات و هستی‌شناسی دین است که در تقسیم‌بندی آموزه‌های دین در کنار اخلاق و فقه قرار دارد. گفتنی است این اصطلاح از معارف به مسائل علم کلام محدود نیست؛ بلکه در بخش‌هایی از فلسفه اسلامی نیز از مسائل اعتقادی بحث می‌شود. همچنین معارف اعتقادی مد نظر این مقاله حتی به مباحث رایج در دو علم کلام و فلسفه اسلامی نیز محدود نیست؛ زیرا برخی از معارف اعتقادی مانند جزئیات و تفصیل معاد، هدف از آفرینش انسان و... حتی در این دو علم نیز کمتر به شکل اجتهادی مورد توجه بوده‌اند و درباره آنها بحث جدی نشده است. برای روشن‌تر شدن مقصود از اصطلاح معارف، لازم است ابتدا معنا و محدوده علم فقه و اخلاق را به خوبی مشخص کنیم.

تفاوت فقه، اخلاق و اعتقادات

تعریف رایج علم فقه چنین است: «هو العلم بالأحكام الشرعية الفرعية عن أدلتها التفصيلية» (سبحانی، ۱۳۸۷، ص ۹). به زبان روان‌تر «فقه» علمی است که درباره فعل مکلف و بایدها و نبایدهای عملی و رفتاری او از جهت قرار گرفتن این افعال تحت یکی از عناوین تکالیف شرعی بحث می‌کند. به عبارتی هر کدام از رفتارها و کردارهای مکلف تحت یکی از عناوین پنج‌گانه تکالیف شرعی (حرام، واجب، مستحب، مکروه و مباح) قرار می‌گیرد و اثبات این تکالیف شرعی از ادله تفصیلی آنها در حیطة علم فقه است. بنابراین علم فقه از باید و نبایدها و دستورها و توصیه‌های عملی شرعی بحث می‌کند

علم عقاید و علم اخلاق، قسیم علم فقه‌اند که از فضا و جنس بایدها و نبایدهای شرعی خارج‌اند؛ بلکه نوعی نگاه توصیفی در آنها حاکم است. آموزه‌ها و معارف اعتقادی از جنس گزاره‌های توصیفی و شناخت هست‌ها و نیست‌های عالم هستی است؛ چراکه به توصیف و هستی‌شناسی خدا، معاد، نبی و امام می‌پردازد. علم اخلاق نیز از جهت اتصاف موضوعاتش



ضرورت اجتهاد در معارف اعتقادی

به معمولاتی همچون فضیلت و رذیلت و حسن و قبیح، نوعی نگاه توصیفی در آن حاکم است که از این جهت با علم فقه متفاوت است (وبگاه دانش‌نامه پژوه، <http://pajoohe.ir>). البته موضوعات اخلاقی را می‌توان از جهت احکام و بایدها و نبایدهای عملی نیز بررسی کرد که در این صورت به علم فقه مربوط خواهد شد.

اکنون که تفاوت علم فقه با دو علم عقاید و اخلاق مشخص شد، به تفاوت علم اخلاق و علم اعتقادات می‌پردازیم. علم اخلاق مربوط به بررسی ملکات و اوصاف انسان است از جهت اتصاف آنها به حسن و قبح، فضیلت و رذیلت و چگونگی موصوف شدن انسان به فضایل و دور شدن از رذایل (نراقی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۴). در حالی که علم اعتقادات به کلی از این فضا خارج است و به گزاره‌ها و توصیفات هستی‌شناسانه دین از عالم مربوط است؛ توصیفاتی که در هدایت و سعادت انسان مؤثر است. موضوعاتی همچون خداشناسی، معاد با همه تفاسیل آن، نبوت، امامت و ولایت، انسان‌شناسی و وجود روح و ویژگی‌های آن، هدف از خلقت، اختیار و آزادی انسان، چیستی و مراتب هدایت، کمال و سعادت انسان، عالم غیب، نظام و مراتب عالم هستی، شیطان و ملائکه، همگی در حوزه اعتقادات قرار می‌گیرند و مقصود این مقاله نیز اثبات و بیان ضرورت اجتهاد در چنین معارفی است.

معنای اجتهاد در معارف اعتقادی

بر اساس توضیحاتی که درباره «اجتهاد» و «معارف» بیان شد، تعریف مختار از اجتهاد در معارف اعتقادی چنین است: «نهایت تلاش برای فهم رأی و نظر دین در حوزه معارف اعتقادی با حجت و دلیل معتبر از سوی شخص دارای ملکه استنباط». در این تعریف، عبارت «رأی و نظر» به جای «احکام شرعی» آمده است تا «اجتهاد» معارف غیر فقهی را هم شامل شود و به فقه و احکام عملی اختصاص نداشته باشد. از سوی دیگر قید «معارف اعتقادی» علم فقه و اخلاق را از محدوده تعریف خارج می‌کند.

عام بودن تفقه و اجتهاد در دین

تفقه به معنای تعلم و کسب فقه است و فقه نیز در لغت به معنای علم به دین. طبق نظر مشهور، مجموعه تعالیم دین به سه بخش اعتقادات، اخلاق و فقه تقسیم می‌شود. بر اساس همین تقسیم رایج از دین اگر تفقه علم به دین است، باید ناظر به همه بخش‌ها و اجزای باشد (حسینی و علی‌پور، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۸۲)،^۱ نه فقط منحصر به یک بخش آن (همان،

۱. بیانات استاد علیرضا اعرافی در مصاحبه با مؤلفان کتاب.

ص ۵۱؛ رشاد، ۱۳۹۵، ص ۵۴) که اگر این گونه شد، تفقهی ناقص، محدود و حداقلی خواهد بود. اگر اجتهاد تلاش برای استنباط و فهم رأی و نظر دین است، باید در همه بخش‌هایی که به دین تعلق دارد، از جمله اعتقادات و اخلاق، انجام شود (حسینی و علی‌پور، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۰۹؛ رشاد، ۱۳۹۵، ص ۵۵-۵۹).^۲ اگر دین برای هدایت و سعادت همه‌جانبه بشریت آمده است، برای همه ابعاد فردی و اجتماعی انسان سخن و برنامه دارد. بنابراین ضرورت دارد تمامی آرا و آموزه‌های دین استنباط و عرضه شود. در غیر این صورت بخش‌های مهمی از اهداف دین ناظر به فرد و جامعه انسانی تحقق نمی‌یابد. ما در برابر قرآن و سنت، دو ثقلی که پیامبر اکرم ﷺ درباره آنها سفارش مؤکد داشته است، وظیفه داریم که با تعلم و تفکر و تدبر در همه آموزه‌های آنها هدایت و سعادت خود و جامعه را تأمین کنیم.

ادله قرآنی بر ضرورت اجتهاد در معارف اعتقادی

۱. تخصیص یافتن بسیاری از آیات قرآن به معارف اعتقادی

تعداد کل آیات قرآن با اختلاف نظرها ۶۲۳۶ یا ۶۶۶۶ شمرده شده است که از آن میان، بنا بر قول مشهور، پانصد آیه به احکام مربوط است (مؤسسه دائرةالمعارف الفقه الاسلامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۷۰) و برخی مفسران آیات الأحکام کتاب خود را بر همین اساس نام نهاده‌اند؛ از جمله *النهاییه فی تفسیر خمس مائه آیه* نوشته ابن متوَّج بحرانی. غیر از این پانصد آیه، بخش زیادی از باقی آیات قرآن در موضوعات اعتقادی و اخلاقی است. معارفی از قبیل توحید و خداشناسی، معاد، نبوت و اخلاقیات. تعداد آیات غیر فقهی ۵۷۳۶ یا ۶۱۶۶ آیه است؛ یعنی ۹۲ در صد قرآن کریم را آیات غیر فقهی تشکیل می‌دهد و بخش زیادی از این ۹۲ در صد به معارف اعتقادی اختصاص دارد که نشان می‌دهد معارف اعتقادی در هدایت انسان و رسیدن او به کمال و سعادت تأثیر بسیاری دارد. از این رو فهم صحیح و عمیق این بخش از قرآن و سنت نیز ضرورت می‌یابد.

ملاصدرا در تفسیر قرآن خود تعداد آیات الأحکام را کم، و بیشتر آیات قرآن را مربوط به موضوعات اعتقادی از جمله توحید، نبوت، اثبات معاد و رد انواع شرک می‌داند و معتقد است این میزان پرداختن قرآن به این معارف دلیل بر اشرف و افضل بودن این علوم است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۴۰).

۱. بیانات استاد احمد مددی در مصاحبه با مؤلفان کتاب جایگاه‌شناسی علم اصول.

۲. بیانات استاد علی عابدی شاهرودی در مصاحبه با مؤلفان کتاب جایگاه‌شناسی علم اصول.

۲. دعوت قرآن به تعقل و تفکر در موضوعات اعتقادی

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌گوید: «و شما خواننده عزیز اگر در آیات قرآن تتبع و تفحص نموده و در آنها به دقت تدبر نمایی، خواهی دید که بشر را شاید بیش از سیصد مورد به تفکر، تذکر و یا تعقل دعوت نموده» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۴۱۵).

با رجوعی ساده به آیات قرآن درمی‌یابیم که در همه یا اغلب این سیصد آیه دعوت به تعقل درباره موضوعات اعتقادی و اخلاقی است و روشن است که مصداق اتم تفکر و تدبر، تفکر اجتهادی است. در ادامه برخی از آیاتی را که به تدبر فراخوانده‌اند همراه با موضوع محوری که دعوت به تفکر در آن شده است ذکر می‌کنیم:

- أَفْ لَكُمْ وَلَمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (انبیاء، ۶۷): توحید؛

- وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (مؤمنون، ۸۰): جهان‌شناسی برای خداشناسی؛

- وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجِينَ اثْنين يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (رعد، ۳): جهان‌شناسی برای خداشناسی؛

- الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (آل عمران، ۱۹۱): جهان‌شناسی برای شناخت هدف خلقت؛

- قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَيْتُ إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ (انعام، ۶؛ آیه ۵۰): نبوت و هدایت؛

- وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَاللَّدَارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (انعام، ۳۲): دنیاشناسی و آخرت‌گرایی.

برخی آیات نیز به طور خاص به تدبر در قرآن دعوت کرده‌اند و با توجه به اینکه بخش زیادی از آیات قرآن درباره موضوعات اعتقادی است، این آیات نیز به تفکر در معارف اعتقادی قرآن فراخوانده‌اند:

- أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا (نساء، ۸۲)؛

- أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا (محمد، ۲۴).

۳. آیه نفر

یکی از آیاتی که همواره در کتب فقهی برای وجوب و ضرورت کفای اجتهاد به آن

استدلال می‌شود آیه «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (توبه، ۱۲۲) است. کلمه «لِيَتَفَقَّهُوا» از ریشه «فقه» است که کتب لغت آن را «علم به دین» (فراهیدی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۳۷۰) و «مطلق علم» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۴۲) معنا کرده‌اند. بنابراین معنا تفقه را نیز به مفهوم کسب و تعلم فقه دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۳۷۰). بر اساس عمومیت معنای فقه و تفقه، مفسران و محققان گفته‌اند معنا و ظهور «لِيَتَفَقَّهُوا» در آیه هیچ انحصاری در اجتهاد فقهی ندارد و دارای معنای عامی است و اجتهاد در همه حوزه‌های دین اعم از اصول و فروع را شامل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۵۵۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۱۹۳؛ رشاد، ۱۳۹۵، ص ۵۴). لذا این آیه هم دلیل دیگری برای اثبات ضرورت اجتهاد در معارف اعتقادی به شمار می‌آید.

۴. آیات لزوم پیروی از علم و نهی از پیروی ظن در اعتقادات

بعضی از آیات قرآن دلالت دارد بر اینکه باید در امور اعتقادی به علم تکیه کرد و از اعتماد به ظن و گمان در اعتقادات ترهیز نمود. از سوی دیگر روشن است که اعتقاد بر پایه علم و اطمینان در حوزه معارف یا از طریق علم تفصیلی اجتهادی به دست می‌آید، یا از طریق رجوع جاهلان به عالمان و کسب علم اجمالی. بنابراین ضرورت دارد که همیشه گروهی از مسلمانان به اجتهاد تفصیلی در معارف دین بپردازند تا پاسخگوی نیاز جامعه باشند. برخی از آیات مزبور بدین قرارند:

- وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

(اسراء، ۳۶)؛

- سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ

كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ

إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ (انعام، ۱۴۸)؛

- وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ

(يونس، ۳۶).

۵. آیه جهاد کبیر

خداوند متعال در سوره فرقان می‌فرماید: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان، ۵۲). این آیه به پیامبر اکرم ﷺ امر می‌کند به وسیله قرآن با کفار جهاد کند؛ جهادی کبیر. همان گونه که جمعی از مفسران گفته‌اند جهاد به وسیله قرآن با کفار، جهاد عقیدتی، فکری و



ضرورت اجتهاد در معارف اعتقادی

معرفتی است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۷۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۱۲۲). از سوی دیگر روشن است که برای قیام به جهاد عقیدتی و معرفتی و پیروزی در آن ضرورت دارد گروهی از مسلمانان در معارف اعتقادی دین متخصص و مجتهد شوند.

۶. آیات نهی از افترا به خداوند

انتساب یک نظر به شارع بدون علم، در واقع نوعی افترا به خداوند متعال است و از افترا به خداوند در آیات زیادی از قرآن به شدت نهی شده است. از سوی دیگر لازمه اینکه نظر دین در معارف اعتقادی از روی علم و یقین دانسته شود و با اطمینان به دین و خداوند نسبت داده شود این است که آن نظر به صورت اجتهادی یا با رجوع به مجتهدان و متخصصان دانسته شود که در هر دو صورت ضرورت اجتهاد در این معارف اثبات می‌شود. برخی از آیات نهی‌کننده از افترا به خدای متعال بدین قرار است:

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (انعام، ۱۴۴)؛

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَّبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (هود، ۱۸).

۷. آیات دعوت به علم

آیاتی که به طور مطلق به کسب علم دعوت می‌کنند، علم اجتهادی در معارف اعتقادی دین را نیز شامل می‌شوند؛ زیرا علم به معارف دین از روی اجتهاد، مرتبه عمیق کسب علم است. از جمله این آیات عبارت‌اند از:

يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (مجادله، ۱۱)؛

این آیه دلالت می‌کند که ایمان و علم موجب ارتقای درجات می‌شوند. بنابراین با این آیه همگان به ایمان و علم دعوت می‌شوند.

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ (فاطر، ۲۸)؛

«انما» در آیه مفید حصر است و مفاد آیه دلالت دارد بر اینکه تنها عالمان به حقایق هستند که در برابر خداوند خشیت دارند و خشیت الهی امری است که در دیگر آیات قرآن مطلوب و نیکو شمرده شده است. پس مقدمه رسیدن به آن نیز که کسب علم است، نزد خدا محبوب و پسندیده است و با این بیان به کسب علم دعوت می‌شود.

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَرْجُونَ (زمر، ۹).

در این آیه در قالب استفهام انکاری، مقام و ارزش صاحبان علم را با جاهلان برابر نمی‌داند و با بالاتر دانستن مقام عالمان، مخاطبین را به کسب علم و دانایی ترغیب می‌کند.

ادله روایی بر ضرورت اجتهاد در معارف اعتقادی

۱. تخصیص یافتن احادیث فراوانی از معصومان علیهم‌السلام به معارف اعتقادی

نویسنده کتاب شناخت‌نامه حدیث بر اساس برنامه نرم‌افزاری جامع الأحادیث، مجموع احادیث غیر تکراری مصادر شیعه را ۱۸۷۷۶۳ روایت شمرده است (ری‌شهری، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۳). از طرف دیگر تعداد احادیث فقهی شیعه در کتاب جامع احادیث الشیعه از محقق بروجردی که همه روایات فقهی دو کتاب وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل را در بر دارد (تبریزی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۵-۱۴۶)، حدود ۴۸ هزار حدیث ذکر شده است (وبگاه دانشنامه مجازی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، <https://fa.wikishia.net>). اگر تعداد احادیث فقهی شیعه را از مجموع احادیث غیر تکراری موجود در منابع شیعه در برنامه جامع الأحادیث کم کنیم، حدود ۱۳۹ هزار حدیث غیر تکراری غیر فقهی باقی می‌ماند که نزدیک به سه برابر تعداد احادیث فقهی است و روشن است که بخش زیادی از این مجموعه به روایات اعتقادی و اخلاقی اختصاص دارد. از این آمار و ارقام، جایگاه معارف اعتقادی و اهمیت اجتهاد در آن نزد معصومان علیهم‌السلام به عنوان ثقل اصغر، بیش از پیش روشن می‌شود.

از سوی دیگر می‌دانیم که مجموعه سخنان ائمه علیهم‌السلام به عنوان جانشینان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ثقل اصغر، همانند قرآن برای هدایت، کمال و سعادت انسان‌ها بیان شده است. پس برای رسیدن به این اهداف، فهم صحیح و عمیق احادیث اعتقادی اهمیت و ضرورت دارد.

۲. روایات امر یا تشویق به کسب علم و تفقه در دین و درایت در روایات

مفاد این روایات که تواتر معنایی دارند و بسیار فراوانند چند گونه است: دسته‌ای از آنها به طور کلی به کسب علم تشویق کرده و حتی طلب آن را فریضه دانسته‌اند؛ از جمله روایت نبوی که می‌فرماید «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَلَّا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بَعَاةَ الْعِلْمِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۰)؛ دسته دوم به طور خاص به تفقه در دین امر یا تشویق کرده‌اند؛ مانند:

– امام صادق علیه‌السلام: تَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ مِنْكُمْ فِي الدِّينِ فَهُوَ أَعْرَابِيٌّ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (همان، ص ۳۱)؛^۱

۱. اعرابی یعنی بادیه‌نشین؛ فردی امی که چیزی نمی‌داند.

- امام باقر علیه السلام: **الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَتَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ** (همان، ص ۳۲).

دسته‌ای دیگر بر روی درایه و فهم معانی روایات تأکید کرده‌اند. در روایتی امام باقر علیه السلام میزان مقام و منزلت شیعیان را به میزان نقل حدیث و درایت و معرفت به روایات دانسته‌اند و درایه و فهم احادیث را موجب ارتقا به بالاترین درجات ایمان بیان کرده‌اند (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ص ۱). در نقل دیگری امام صادق علیه السلام فقیه‌ترین مردم را آگاه‌ترین آنان به معانی کلام معصومین علیهم السلام دانسته است (ر.ک: همان).

هر سه عنوان علم، تفقه و درایه که در این روایات اخذ شده است به عمومیتشان، فهم و علم اجتهادی به معارف اعتقادی را نیز شامل می‌شود؛ زیرا علم به اعتقادات دینی از روی اجتهاد و استنباط، مرتبه بالای علم و تفقه به شمار می‌آید. عنوان درایه نیز در لغت به معنای علم و دانایی است که علم عمیق و اجتهادی به روایات اعتقادی را هم شامل می‌شود.

۳. روایات تعظیم و ارزش‌گذاری برای علوم اعتقادی و عالمان آن

علم کلام که عهده‌دار تبیین عقاید دینی و دفاع از آن است به عنوان یکی از بخش‌های تعالیم دین در روایات ائمه علیهم السلام از جایگاهی ویژه برخوردار است. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خداشناسی سرآمد و رأس همه علوم شمرده شده است (شیخ صدوق، ۱۳۹۸، ص ۲۸۴). در روایتی امام صادق علیه السلام هشام بن حکم را که متخصص علم کلام بود، در میان عده‌ای از اصحاب خود تکریم ویژه کرد و در حالی که هشام از همه جوان‌تر بود درباره‌اش فرمود: «هذا ناصرنا بقلبه ولسانه ویده» (طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۲۸۱). همچنین در نقل دیگری آن حضرت خطاب به عبدالرحمن حجاج از شاگردان کلامی خود فرمود: «یا عبد الرحمن کلم أهل المدینة فانی أحب أن یری فی رجال الشیعة مثلک» (قمی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۵۲۵).

در روایت دیگری امام هادی علیه السلام علمایی را که با حجت‌های الهی به دفاع از دین خدا می‌پردازند و نجات‌بخش افراد ضعیف‌الاعتقاد می‌شوند، مایه حفظ دین جامعه و بافضیلت‌ترین افراد نزد خدا دانسته است (همان، ص ۵۲۵).

۴. روایات دعوت‌کننده به تفکر و تعقل

همان‌طور که در بخش آیات دعوت به تفکر و تعقل گفته شد، تفکر اجتهادی مرتبه بالا و عمیق تفکر است. بنابراین مشمول این دسته از احادیث می‌شود؛ روایاتی مانند:

- امام صادق علیه السلام: **أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَفِي قُدْرَتِهِ** (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۵)؛^۱

۱. بهترین عبادت، همواره اندیشیدن درباره خدا و قدرت اوست.

- امام رضا علیه السلام: لَيْسَ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ التَّفَكُّرُ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (همان).

۵. روایات عرضه حدیث بر قرآن

روایات بسیاری از معصومین علیهم السلام وارد شده است که برای ارزیابی صحت و اعتبار احادیث، به صورت مطلق یا در صورت تعارض امر کرده‌اند که احادیث را به قرآن عرضه کنید (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۶۹). آیا عرضه انواع روایات عمیق اعتقادی بر قرآن و ارزیابی و صحت‌سنجی و جمع‌بندی دلالتی آنها و انتساب با اطمینان یک رأی به دین با وجود تفاوت سطح مضامین این اخبار و گاه اختلاف میان آنها جز با تخصص و اجتهاد، ممکن است؟

۶. روایات عرضه احادیث به سنت و دیگر روایات

روایات متعددی نیز در این باب وارد شده است (ر.ک: همان). منظور از سنت در اینجا در نظر گرفتن همه سخنان و سنت معصومان علیهم السلام و مقدم کردن سنت قطعی است. بنابراین بیانی که ذیل دلیل پیشین (روایات عرضه حدیث بر قرآن) بیان شد، در اینجا نیز عیناً تکرار می‌شود.

۷. روایات نهی از تفسیر به رأی قرآن

روایات متعددی از تفسیر به رأی قرآن به شدت نهی کرده‌اند. از سوی دیگر آیات و روایاتی نیز به فهم قرآن و تعقل و تدبیر در آن دعوت کرده‌اند. نتیجه جمع این دو دسته از روایات این است که فهم و تفسیر قرآن که بخش زیادی از آیات آن اعتقادی است باید عالمانه، روشمند و متقن باشد که مرتبه کامل آن تفسیر اجتهادی است. ادله‌ای که در ادامه این نوشتار می‌آید به ویژگی‌هایی در مجموعه روایات اعتقادی مربوط است که لازمه این ویژگی‌ها ضرورت اجتهاد در معارف اعتقادی است.

۸. وجود احادیث مشکل در میان روایات اعتقادی و لزوم فهم آنها

روایات معتبر متعددی در منابع اولیه و اصیل حدیثی وجود دارد که فهم آنها به راحتی ممکن نیست و برداشت مطمئن از معانی آنها با دشواری روبه‌روست و جز با تأملات اجتهادی به خوبی فهم و تبیین نمی‌شوند. این دسته از احادیث در علوم حدیث به اصطلاح «مشکل الحدیث» نامیده می‌شوند و کتبی نیز مختص این موضوع نوشته شده است؛ از جمله مصابیح الأنوار فی حلّ مشکلات الأخبار از سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۱). در این میان روایات فقهی، با توجه به مباحث غنی فقها، تا حد قابل قبولی حلّاجی و روشن شده‌اند؛ ولی



ضرورت اجتهاد در معارف اعتقادی

احادیث اعتقادی با وجود مضامین گران قدر و ارزشمندان، بسیار کمتر در کانون توجه بوده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ص ۴۸۵-۴۸۷). پس ضرورت اجتهاد در آنها بیش از پیش احساس می‌شود.

۹. وجود تعارض در روایات و لزوم حل تعارضات

کسانی که اهل مطالعه و پژوهش در منابع روایی اند تصدیق می‌کنند که تعارض در اخبار، مختص احادیث فقهی نیست و در حوزه‌های غیر فقهی نیز مشاهده می‌شود (همان، ص ۱۵۳) و روشن است که همانند تعارض در اخبار فقهی، در روایات اعتقادی و اخلاقی نیز کسی که دارای قوه اجتهاد است می‌تواند این تعارضات را حل و فصل کند.

۱۰. وجود عام و خاص، مطلق و مقید، حاکم و محکوم و لزوم جمع میان آنها

وجود این گونه روایات امری مسلم است و به روایات فقهی اختصاص ندارد (همان، ص ۱۵۱) و مسلماً جمع‌بندی و هماهنگی میان آنها نیازمند تخصص و تبحر کافی است؛ به‌ویژه در احادیث اعتقادی که حساسیت بیشتری دارند و در برخی از آنها ممکن است مرز میان توحید و شرک دقیق باشد و کوچک‌ترین بی‌دقتی به لغزش در ورطه شرک بینجامد.

۱۱. وجود احادیث جعلی و لزوم تمیز آنها

پدیده جعل در احادیث به شهادت تاریخ و کلام خود معصومین علیهم‌السلام واقع شده است و این پدیده در روایات اعتقادی نیز اتفاق افتاده است؛ به‌خصوص با وجود فرقه‌های انحرافی مختلف در قرون اولیه اسلامی. تشخیص این احادیث نیازمند کار تخصصی و عالمانه است (همان، ۳۴۲-۳۴۷).

ادله عقلی بر ضرورت اجتهاد در معارف

در علم اصول، ادله عقلی را به دو دسته مستقلات و غیر مستقلات عقلیه تقسیم می‌کنند. مستقلات عقلیه دلایلی هستند که همه مقدمات آنها عقلی است و غیر مستقلات عقلیه دلایلی اند که یک مقدمه آنها غیر عقلی است (مظفر، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۲۶۳). ادله عقلی برای اثبات ضرورت اجتهاد در معارف دین، هم مستقلات و هم غیر مستقلات عقلیه را شامل می‌شود که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم.

۱. تقدم و اولویت اعتقادات بر فقه

مقدمه اول: با دقت و تأمل عقلی درمی‌یابیم که تا پایه‌های اعتقادی و اخلاقی انسان به

صورت صحیحی شکل نگیرد و محکم نشود، عمل و پایبندی جدی به احکام فقهی حاصل نمی‌شود (دبیرخانه شورای پیشبرد و ارتقای حوزه، ۱۳۹۷، ص ۱۳۹).^۱ اگر باور شخص و جامعه به اعتقادات دینی از جمله خدا، نبوت، معاد و امامت محکم نگردد و از سوی دیگر اگر روح تقوا، تسلیم، بندگی و پایبندی به احکام الهی با تهذیب نفس در انسان تقویت نشود، علم به فقه و احکام نیز برای فرد و جامعه سودی نخواهد داشت؛ زیرا روشن است که با صرف علم به احکام فقهی بدون تقویت پایه‌های اعتقادی و تزکیه نفس، پایبندی عملی به این احکام حاصل نمی‌شود و فقه بدون اینکه به آن عمل شود، نتیجه و نفعی برای شخص به دنبال ندارد (لاهیجی، بی تا، ص ۱۲)؛

مقدمه دوم: بدون متخصصان و مجتهدان علوم اعتقادی، پایه‌های اعتقادی شخص و جامعه تقویت نمی‌شود؛

نتیجه: برای تقویت عمل به احکام دین، اجتهاد در علم اعتقادات ضرورت دارد. به بیان دیگر همان طور که اجتهاد فقهی موجب پاسخگویی به نیازها و پرسش‌های جامعه در زمینه احکام شرعی است، اجتهاد در اعتقادات و اخلاقیات نیز پاسخگوی نیازها، و پرسش‌های جامعه در این زمینه است و با توجه به توضیح قبل، تا این نیازها و کمبودها در تک تک افراد جامعه برطرف نشود، مجتهدان و فقها مقلدان عامل و مخاطبان پایبندی نخواهند داشت.

۲. ضرورت تحقق اهداف دین و بعثت انبیا

بعثت انبیا و نزول دین الهی اهدافی را دنبال می‌کند؛ از جمله تعلیم و تزکیه عباد (آل عمران، ۱۶۴) و هدایت آنان به سوی کمال و سعادت (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۸۷). از طرف دیگر تحقق این اهداف دین بدون فهم صحیح و اجتهادی همه آموزه‌های دین که راهنمای رسیدن به این اهداف است، ممکن نخواهد بود. اگر مجموعه تعالیم دین انسان را به اهداف ارزشمندی می‌رساند، پس باید به همه آن تعالیم توجه کرد؛ نه اینکه در فهم عمیق یک بخش نهایت دقت و اهتمام را صرف کنیم و باقی را رها کنیم یا کمتر مورد توجه قرار دهیم. بنابراین فهم صحیح و اجتهادی همه آموزه‌های دین از جمله معارف اعتقادی و هستی‌شناسی آن ضرورت دارد.

۳. ضرورت تحول در علوم انسانی

تردیدی نیست که علوم انسانی موجود، متناسب با تفکر و فرهنگ غربی سکولار رشد،

۱. مصاحبه مؤلف کتاب با آیت‌الله فیاضی.

ضرورت اجتهاد در معارف اعتقادی

تکامل و تدوین یافته‌اند. مبانی تفکر سکولار غربی، انسان را با قطع نظر از مبدأ و معاد در نظر گرفته و درباره زندگی فردی و اجتماعی او نظریه‌پردازی و قانون‌گذاری کرده است. به همین دلیل علوم انسانی موجود، در بعضی از بخش‌ها، گزاره‌ها، توصیفات، توصیه‌ها و هنجارها نه تنها تناسبی با نظام ارزشی و عملی اسلام ندارد، بلکه با آن در تعارض و تضاد است (شریفی، ۱۳۹۳، ص ۵۵-۵۶). لذا تحول در علوم انسانی و اسلامی شدن این علوم ضروری است.

از سوی دیگر اسلامی شدن این علوم بدون فهم عمیق و اجتهاد در همه تعالیم دین، یعنی اعتقادات، اخلاق و فقه، ممکن نیست. استاد مصباح یزدی معتقد است بخش اعظم مسائل علوم انسانی با دین ارتباط دارد. بنابراین فرهنگ و مکتب اسلامی نمی‌تواند از علوم انسانی جدا باشد و هیچ نظری درباره آنها نداشته باشد. برخی از علوم انسانی با بخشی از آموزه‌های اسلام ارتباط عمیقی دارند. علوم انسانی بر پاره‌ای ارزش‌ها و معتقدات مبتنی‌اند که این پایه‌ها با دین نسبت دارد (مصباح یزدی، بی‌تا، ص ۸۲ و ۸۴-۸۵). با این توضیح روشن است که نوع نگرش اسلام به جهان هستی و موضوعات بنیادین آن از قبیل مبدأ و معاد، جایگاه انسان در عالم هستی، هدف از آفرینش و زندگی انسان و ابعاد مختلف وجودی او در گزاره‌ها و نتایج علوم انسانی اسلامی تأثیر بسیار خواهد داشت (شریفی، ۱۳۹۳، ص ۲۷۷-۲۷۸؛ موسوی، ۱۳۹۴ ص ۱۱۱). در نتیجه برای تحول و اسلامی شدن علوم انسانی، اجتهاد در اعتقادات، اخلاقیات و فقه دین ضرورت دارد.

رهبر معظم انقلاب درباره ضرورت تحول در علوم انسانی و نظریه‌پردازی اندیشمندان حوزوی بر اساس جهان‌بینی و مبانی فلسفی اسلام می‌گوید:

- اساسی‌ترین کار این است که مبنای علمی و فلسفی تحول علوم انسانی باید تدوین بشود. این کار اساسی و کار اولی است که بایستی انجام بگیرد (وبگاه دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، KHAMENEI.IR، ۱۳۹۲).

- اینکه بنده درباره علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانش‌های ذاتاً مسموم هشدار دادم - هم به دانشگاه‌ها، هم به مسئولان - به خاطر همین است. این علوم انسانی‌ای که امروز رایج است، محتواهایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان‌بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد؛ هدف دیگری دارد. وقتی اینها رایج شد، مدیران بر اساس آنها تربیت می‌شوند. همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می‌گیرند. حوزه‌های علمیه و علمای دین پشتوانه‌هایی هستند که موظف‌اند نظریات اسلامی را در این زمینه از

متون الهی بیرون بکشند، مشخص کنند، آنها را در اختیار بگذارند برای برنامه‌ریزی، برای زمینه‌سازی‌های گوناگون. پس نظام اسلامی پشتوانه‌اش علمای دین و علمای صاحب‌نظر و نظریات اسلامی است (همان، ۱۳۸۹).

۴. ضرورت فهم صحیح و تبیین منابع نقلی دین

بخش زیادی از آیات و روایات به حوزه معارف اعتقادی، هستی‌شناسی و اخلاقی دین مربوط است. از سوی دیگر برای فهم صحیح دین و تبیین و تبلیغ آن در جامعه و در نتیجه رسیدن جامعه به هدایت، کمال و سعادت، فهم صحیح، عمیق و نظام‌یافته قرآن و سنت ضرورت دارد و روشن است که بدون اجتهاد در معارف اعتقادی و هستی‌شناسی، فهم صحیح، عمیق و نظام‌یافته متون اعتقادی دین حاصل نمی‌شود. امام خمینی درباره کثرت مضامین معارفی دین در ادعیه و اهمیت فهم این معارف می‌گوید:

آن قدر معارف در ادعیه ائمه ما علیهم السلام هست و مردم را دارند از آن جدا می‌کنند؛ آن قدر معارف در ادعیه هست [که نمی‌توان احصا کرد]. لسان قرآن است ادعیه؛ شارح قرآن هستند [ائمه ما]، راجع به آن مسائلی که دیگران دستشان به آن نمی‌رسد (خمینی، ۱۳۷۵، ص ۱۹۱).

۵. ضرورت پاسداری از اعتقادات دینی

پاسداری از اعتقادات دینی و جلوگیری از تضعیف عقاید مردم در مقابل مخالفان و منتقدان ضرورت دارد و بدون شناخت و فهم استدلالی عمیق از عقاید دین که در علم کلام و فلسفه اسلامی از آنها بحث می‌شود نمی‌توان به دفاع از این عقاید پرداخت (ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۰، ص ۴۲؛ مجمع عالی حکمت اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۴۰). بنابراین اجتهاد در اعتقادات دینی که همان فهم عمیق و استدلالی عقاید است ضرورت دارد.

۶. ضرورت پاسخگویی دین به سؤالات اساسی بشر

پاسخگویی به سؤالات اساسی بشر درباره خلقت و جهان هستی از سوی دین که داعیه‌دار هدایت و سعادت بشر است ضرورت دارد. پرسش‌هایی که درباره مبدأ و غایت جهان هستی، مراتب نظام هستی، حقیقت وجودی انسان و ابعاد وجودی او، چیستی کمال و سعادت انسان است؛ ولی پاسخگویی کامل به این پرسش‌ها بدون اجتهاد و شناخت استدلالی معارف اعتقادی و هستی‌شناسی دین ممکن نیست (همان، ص ۴۲).

نمونه‌هایی از مسائل اعتقادی که نیازمند کار اجتهادی

در این بخش برای اینکه ضرورت اجتهاد در معارف اعتقادی ملموس‌تر و محسوس‌تر

شود، به نمونه‌هایی از موضوعات و مسائلی که به کار استنباطی و اجتهادی نیاز دارند، اشاره می‌گردد.

خداشناسی

فهم مراد و تفسیر دقیق برخی آیات از جمله:

- اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاهٍ فِيهَا مَصْبَاحٌ الْمَصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مَبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (نور، ۳۵)؛
- وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلِمَ مَا تُسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (ق، ۱۶)؛

- الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى (طه، ۵).

و معنا و مفهوم صحیح بعضی روایات از جمله:

- الْمُتَعَالَى عَنِ الْخَلْقِ بَلَا تَبَاعَدٍ مِنْهُمْ الْقَرِيبُ مِنْهُمْ بَلَا مُلَامَسَةٍ مِنْهُ (شیخ صدوق، ۱۳۹۸، ص ۳۳)؛

- الْمَشَاهِدُ لِجَمِيعِ الْأَمَاكِنِ بَلَا انْتِقَالَ إِلَيْهَا (همان)؛

- الْهِيَ هَبَّ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ الْيَكِّ، وَأَنْرَ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بَضِيَاءَ نَظَرِهَا الْيَكِّ، حَتَّى تَخْرُقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجْبَ النُّورِ، فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعِظْمَةِ وَتَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ (سید بن طاووس، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۲۹۹).

معاد

بسیاری از جزئیات و تفصیلات معاد در قالب اخبار واحدی آمده است که اعتبارسنجی و سندشناسی و بررسی دلالتی نشده‌اند و به‌درستی مشخص نیست که نظر معتبر و نهایی دین در این موارد چیست؛ نظری که با اطمینان قابل انتساب به دین و عرضه به عموم باشد.

نبوت و امامت

بخشی از متون روایی ما که به شناخت مقامات و فضایل اولیای معصوم علیهم‌السلام مربوط است، بدون فهم عمیق اجتهادی به‌خوبی درک و تبیین نمی‌شود. به همین دلیل در مواردی که کسانی نتوانستند به عمق معانی این روایات برسند به تردید در صحت سندی یا غلو بودن آنها قایل شده‌اند. برخی از این موارد عبارت است از:

- وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ، وَحَسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَفَصَّلُ الْخُطَابِ عِنْدَكُمْ ... خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَكُمْ بَعْرَشَهُ مَحْدَقِينَ ... بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَبِكُمْ يَخْتَمُ، وَبِكُمْ يَنْزِلُ الْغَيْثَ وَبِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَبِكُمْ يَنْفُسُ الْهَمَّ وَيَكْشِفُ الضَّرَّ، ... أَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ، وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ، وَأَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ، وَأَنْفُسُكُمْ فِي الثُّفُوسِ، وَأَثَارُكُمْ فِي الْأَثَارِ، وَقَبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ ... ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ، وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ (قمی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۳۹).^۱

همچنین در دعای ماه رجب از امام زمان علیه السلام در وصف ولایه امر الهی منقول است: «لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۸۰۳).

علوم انسانی

مسائل معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، فلسفه دین و اینکه هدف از سیاست و قدرت و حکومت چیست، جامعه آرمانی و مطلوب چگونه جامعه‌ای است، حق حاکمیت بر جامعه انسانی با کیست، هدف اقتصاد، نگاه اسلام به مال و ثروت و فقر، اصول اساسی حاکم بر اقتصاد، جایگاه عدالت در اقتصاد، نگاه اسلام به آباد کردن دنیا.

نتیجه‌گیری

اجتهاد و استنباط عمیق در معارف اعتقادی دین به استناد ادله فراوان از قرآن، سنت و عقل، دارای ضرورت و اهمیت بسیار است؛ بلکه از جهاتی مهم‌تر از اجتهاد فقهی و مقدم بر آن است. ادله قرآنی این مطلب تخصیص آیات بسیاری به عقاید، آیات دعوت به تفکر، آیه نفر، آیات لزوم اتباع از علم در اعتقادات، آیه جهاد کبیر، آیات نهی از افترا به خدا و آیات دعوت به علم است. از جمله ادله روایی برای اثبات مدعا می‌توان به تخصیص بسیاری از روایات به عقاید، احادیث دعوت به علم، اخبار ارزش‌گذاری به علوم عقایدی، روایات دعوت به تفکر، اخبار عرضه حدیث به قرآن و سنت و وجود خصوصیتی همچون تعارض، جعل، عام و خاص و مطلق و مقید در روایات است. از جمله ادله عقلی نیز می‌توان به اولویت اعتقادات بر فقه، ضرورت تحقق اهداف دین و بعثت انبیا، ضرورت تحول در علوم انسانی، ضرورت دفاع از عقاید دینی و ضرورت پاسخگویی به پرسش‌های اساسی بشر اشاره کرد.

با وجود همه این ادله و علی‌رغم اهمیت و تأثیر زیاد این معارف بر هدایت، کمال و

۱. فراهایی از زیارت جامعه کبیره منقول از امام هادی علیه السلام.

ضرورت اجتهاد در معارف اعتقادی

سعادت فردی و اجتماعی انسان، تا کنون تلاش عالمانه و اجتهادی چشم‌گیری در آیات و روایات مربوط به حوزه معارف اعتقادی انجام نشده و در مقایسه با تلاش‌های انجام شده در مباحث فقهی، بسیار کمتر مورد توجه و اهتمام بوده است. از این رو شایسته و ضروری است که پژوهشگران و اندیشمندان و دغدغه‌مندان علوم دینی به این عرصه دانشی توجه و اهتمام بیشتر و جدی‌تری داشته باشند.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن منظور، جمال‌الدین (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، دار الفكر للطباعة و النشر، بیروت.
۲. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقائیس اللغة، چاپ اول، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
۳. آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۳۰ق)، کفایة الاصول، تعلیقه علی سبزواری، چاپ ششم، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۴. تبریزی، محمد (۱۳۸۷ش)، «جامع احادیث الشیعه امتیازها و ضعفها و روش استفاده از آن»، کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۵۶، ص ۱۳۸-۱۹۵.
۵. حسینی، حمیدرضا و مهدی علی‌پور (۱۳۸۵ش)، جایگاه‌شناسی علم اصول، چاپ اول، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم.
۶. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق)، شمس العلوم و دواء الکلام العرب من الکلوم، چاپ اول، دار الفكر المعاصر، بیروت.
۷. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۵ش)، تفسیر سوره حمد، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران.
۸. خویی، ابوالقاسم (۱۴۲۲ق)، مصباح الأصول، چاپ اول، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، قم.
۹. دبیرخانه شورای پیشبرد و ارتقای حوزه (۱۳۹۷ش)، تحول در حوزه؛ بایدها و نبایدها، چاپ اول، نشر دبیرخانه شورای پیشبرد و ارتقای حوزه، قم.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، دار العلم، لبنان.
۱۱. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۹۰ش)، درآمدی بر علم کلام، چاپ چهارم، دار الفکر، قم.
۱۲. رشاد، علی‌اکبر (۱۳۹۵ش)، دین پژوهی معاصر، چاپ سوم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
۱۳. سبحانی، جعفر (۱۳۸۷ش)، الموجز فی اصول الفقه، چاپ چهاردهم، مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام، قم.
۱۴. سید بن طاووس (۱۳۶۲ش)، الإقبال بالأعمال الحسنة، چاپ دوم، دار الکتب الإسلامیه، قم.
۱۵. شریفی، احمدحسین (۱۳۹۳ش)، مبانی علوم انسانی اسلامی، چاپ اول، آفتاب توسعه، ناشر آثار مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا، تهران.
۱۶. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۹۸ق)، التوحید، چاپ اول، جامعه مدرسین، قم.
۱۷. _____ (۱۴۰۳ق)، معانی الأخبار، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۱۸. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۱ش)، تفسیر القرآن الکریم، چاپ دوم، نشر بیدار، قم.
۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت.

۲۰. _____ (۱۳۷۴ش)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمداقبر موسوی، چاپ پنجم، دفترانتشارات اسلامی، قم.
۲۱. طباطبایی، محمدکاظم (۱۳۹۳ش)، منطق فهم حدیث، چاپ دوم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته، قم.
۲۲. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج، چاپ اول، نشر مرتضی، مشهد.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، چاپ سوم، الإسلامیه، تهران.
۲۴. _____ (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان، چاپ سوم، ناصر خسرو، تهران.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، مصباح المتجهد، چاپ اول، مؤسسه فقه شیعه، بیروت.
۲۶. عالمزاده نوری، محمد (۱۳۹۶ش)، استنباط حکم اخلاقی از متون دینی و ادله لفظی، چاپ اول، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، چاپ دوم، هجرت، قم.
۲۸. فیومی، احمد بن محمد (بی تا)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، چاپ اول، دار الرضی، قم.
۲۹. قمی، عباس (۱۴۱۴ق)، سفینه البحار، چاپ اول، اسوه، قم.
۳۰. _____ (۱۳۹۷ش)، مفاتیح الجنان، چاپ اول، پیام عدالت، تهران.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، چاپ چهارم، الإسلامیه، تهران.
۳۲. لاهیجی، عبدالرزاق (بی تا)، شوارق الإلهام فی شرح تجرید الکلام، چاپ اول، انتشارات مهدوی. اصفهان.
۳۳. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۳ق)، معارج الأصول، چاپ اول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم.
۳۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۷ش)، شناخت نامه حدیث، چاپ اول، دار الحدیث، تهران.
۳۵. مجمع عالی حکمت اسلامی (۱۳۹۴ش)، ظرفیت شناسی علوم اسلامی در تحول علوم انسانی، چاپ اول، مجمع عالی حکمت اسلامی، قم.
۳۶. مصباح یزدی، محمدتقی (بی تا)، رابطه ایدئولوژی و فرهنگ اسلامی با علوم انسانی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، تهران.
۳۷. مظفر، محمدرضا (۱۴۳۰ق)، اصول الفقه، چاپ پنجم، دفترانتشارات اسلامی، قم.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۱ش)، تفسیرنمونه، چاپ اول، دارالکتب الإسلامیه، تهران.
۳۹. مؤسسه دائرة المعارف الفقه الإسلامی (۱۳۸۵ش)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ دوم، مؤسسه دائرة المعارف الفقه الإسلامی، قم.
۴۰. موسوی، سید مهدی (۱۳۹۴ش)، الگوهای کلان تولید علوم انسانی اسلامی در بستر انقلاب اسلامی، چاپ اول، آفتاب توسعه، تهران.
۴۱. نراقی، محمد مهدی (۱۳۸۶ق)، جامع السعادات، چاپ اول، مطبعه الزهراء، نجف.

زیست‌شناسی سال هفتم / شماره اول / پیاپی ۱۲ / بهار - تابستان ۱۴۰۰

۴۲. وبگاه دانش‌نامه پژوهه، <http://pajoohe.ir>، ۱۳۹۷، پژوهشگاه باقرالعلوم، مقاله «رابطه فقه و اخلاق».

۴۳. وبگاه دانش‌نامه مجازی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، <https://fa.wikishia.net>.

۴۴. وبگاه دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، KHAMENEI.IR.